

ایران در هفته‌ای که گذشت!

(۳۵)

بهرام رحمانی

bamdadpress@swipnet.se

جنگ آمریکا و بریتانیا، بر علیه مردم عراق، با سقوط بغداد و شهرهای بزرگ این کشور، به پایان خود نزدیک می‌شود. در این اوضاع سرنوشت مردم زخم‌خورده و رنج کشیده عراق، با اشغال‌گران آمریکایی و بریتانیایی، چگونه خواهد بود و به کجا خواهد رسید، آینده نشان خواهد داد. اما از همین الان می‌توان گفت که آمریکا، خود را خود را آماده کرده است تا برای یک دوره طولانی نیروهای در این کشور مستقر نماید و از سوی دیگر هر گونه حرکت‌های اعتراضی مستقل مردم این کشور و به خصوص مردم کرد را در جهت رهایی و آزادی خواهی شدیداً سرکوب کند.

در تاریخ شانزدهم فروردین ۱۳۸۲، بیانیه‌ای تحت عنوان «فریاد روشنفکران و آزادی خواهان ایران علیه جنگ در عراق»، در داخل کشور منتشر شده است که تا این تاریخ حدود ۳۶۶ نفر، از جمله خانم سیمسن بهبانی، منوچهر آتشی، محمد شمس لنگرودی، جواد مجابی، اکبر معصوم بیگی، سیدعلی صالحی، علی اکبر درویشیان و... آن را امضا کرده‌اند.

این بیانیه، با هر کمبود و ضعفی از موضع مستقل انسانی و مسئولانه‌ای حرکت می‌کند و در شرایط کنونی ایران، گام مهمی به شمار می‌آید. در بخشی از این بیانیه، خطاب به «آزاداندیشان جهان، مردم آگاه و صلح طلب»، آمده است: «برای ما بسی دردناک و تاسف‌بار است که بار دیگر شاهد شعله‌ور شدن آتش جنگ و مردم سوزی در گوشه‌ای از جهان هستیم. جنگی وحشیانه که آمریکا و متحدان آن با قدرت نظامی سهمناک خود در رویارویی با یکی از خودکامگان سرکوب‌گر و مرتجع منطقه علیه مردم محروم و بی‌دفاع عراق به راه انداخته‌اند. جنگی که هدف اصلی آن تامین منافع سرمایه سلطه طلب جهانی و حل بحران‌های درونی آن به قیمت قربانی شدن جان هزاران بی‌گناه است. جنگی ویران‌گر که جز آوارگی و بی‌خانمانی، گسترش فقر، بیماری، تخریب محیط زیست، نابودی زیر ساخت‌های اقتصادی و تقویت دایره کور نفرت و تروریسم حاصل دیگری برای مردم منطقه به ارمغان نخواهد آورد.

دولت آمریکا و متحدانش ادعا می‌کنند که هدف‌شان از برافروختن آتش جنگ سرنگونی رژیم دیکتاتوری عراق و

استقرار نظام دموکراسی در این کشور است. و این در حالی است که هنوز پرونده ده‌ها مداخله خونین و ضد مردمی گذشته آن‌ها علیه مردم منطقه و تقویت خودکامگی در خاورمیانه و میهن ما ایران بسته نشده است)).

در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: «ارتش مهاجم که با نقض تمامی میثاق‌های بین‌المللی به شیوه‌ای قلدرمنشانه آتش جنگ را در منطقه برافروخته است مدعی آن است که برای کنترل سلاح‌های کشتار جمعی به میدان آمده است، در حالی که خود از مخوف‌ترین سلاح‌های سنگین و دوربرد، بمب‌های خوشه‌ای و بمب‌های ده تنی علیه مردم عراق استفاده می‌کند. به گمان ما این جنگ جنگی است علیه بشریت و برای تأمین مطامع و منافع سرمایه سلطه‌گر جهانی)).

این بیانیه خطاب به «مردم آزاده و صلح‌دوست جهان» می‌افزاید: «مردم ایران که سال‌هاست درد و رنج جنگ و خودکامگی را تجربه کرده و از نخستین پیشگامان جنبش‌های آزادی‌خواهانه در منطقه بوده‌اند، می‌دانند که این جنگ ربطی به مبارزه با تروریسم یا دفاع از آزادی مردم عراق ندارد و خوی امپریالیستی و سلطه‌جویانه آن را می‌شناسند.

ما می‌دانیم که در تقابل غارت‌گران منابع نفتی و خودکامگان مرتجع بومی، باز این مردم ستم‌دیده‌اند که جان و مال و امنیت و آزادی خود را از دست می‌دهند. ما مجبور نیستیم میان دو قطب جنایت یکی را انتخاب کنیم. انتخاب ما نیروی توان‌مند و متمدن بشری برای صلح و آزادی است.

ما هم‌صدا با جنبش جهانی ضد جنگ، که همانا بازدارنده‌ترین نیروی مردمی علیه جنگ است، خواست‌های خود را به شرح زیر اعلام می‌داریم:

— اقدام عملی و گسترده و قاطع جهانی برای توقف فوری جنگ بی‌قید و شرط

— وادار ساختن سازمان‌های بین‌المللی، به ویژه سازمان ملل متحد به انجام وظایف خود برای تأمین صلح و دفاع

از حقوق بشر، به ویژه مردم بی‌پناه عراق، که تاکنون معوق مانده است.

— محاکمه جنایت‌کاران جنگی و جنگ‌افروزان در دادگاه صالح بین‌المللی

— رسیدگی فوری به وضع مصیبت‌دیدگان عراق به منظور پیش‌گیری از گسترش فجایع انسانی.

با آرزوی همبستگی جهانی برای صلح، عدالت و آزادی)).

لازم به یادآوری است که تعدادی از نویسندگان و هنرمندان پیشرو و مترقی و چپ در خارج کشور نیز بیانیه‌ای را خطاب به مردم جهان، در محکومیت جنگ امپریالیستی آمریکا و بریتانیا علیه مردم عراق، همچنین در دفاع از اپوزیسیون سرنگونی‌طلب جمهوری اسلامی که در منطقه فعالیت دارند، منتشر کرده‌اند.

این دو بیانیه که یکی در داخل و دیگری در خارج منتشر شده است، در مقابل مواضع ضدانسانی طیف سلطنت‌طلبان و نویسندگانی مانند مسعود بهنود، نیما راشدان، باقر پرهام و غیره قرار دارد که با جنگ خونین و وحشی آمریکا و بریتانیا هم‌زبان شده‌اند و تحت عنوان «منافع ملی» بر کشتار مردم عراق و ویرانی و تخریب این کشور دهن‌کجی می‌کنند. این چه «منافع ملی» است که بر جان و زندگی و موجودیت انسانها برتری دارد؟! همچنین این‌ها به

نوعی خواهان حمله آمریکا به ایران نیز هستند. باید موضع این جنگ طلبان «وطني» و «خارجی» از سوی فعالین فرهنگی و اجتماعی و نیروهای مترقی، انسان دوست، چپ و کمونیست افشاگر و محکوم شود.

موضع اصولی و انسانی این است که چنین جنگ‌هایی را باید بدون کم‌ترین ناملی محکوم کرد، زیرا که این جنگ‌ها بر علیه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی بشر و بر علیه منافع و مصالح مردم محروم و کارگران و مزدبگیران است.

در چنین شرایطی باید بر سرنگونی رژیم مرتجع و تروریست جمهوری اسلامی، توسط توده‌های مردم تاکید کرد. قطعاً هر چه مبارزه توده‌های مردم محروم و ستم‌دیده و به ویژه کارگران علیه جمهوری اسلامی، گسترش می‌یابد و سراسری می‌شود، به همان نسبت نیز موضع نویسندگان و هنرمندان مترقی و پیشرو داخل کشور بر علیه رژیم، رادیکال‌تر می‌گردد.

در این میان بیانیه سوم دیگری نیز تحت عنوان «بیانیه نیروهای سیاسی ایران پیرامون تحولات منطقه»، در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۸۲، در ایران منتشر شده است که اساساً نیروهایی امضاکننده آن طرفدار و فعال «جناح دوم خرداد» رژیم هستند که آخرین زورهای خود را می‌زنند تا بلکه کشتی در حال غرق شدن جمهوری اسلامی را نجات دهند. این نیروها با بهانه قرار دادن محکومیت جنگ و به اصطلاح مدافع «مردم‌سالاری» در عراق، در تلاشند از آب گل آلود ماهی بگیرند و موضع خود را بر رقیب مقابل خود بقبولانند، می‌نویسند: «... ۳ - با جدی دانستن تهدیدهای خارجی علیه ایران، امیدواریم که مسئولان نظام جمهوری اسلامی نیز، با توجه کامل به شرایط حساس کنونی، این واقعیت انکارناپذیر را مورد قبول قرار دهند که پذیرش و اعمال قواعد دمکراسی مهم‌ترین اقدام برای مقابله با وسوسه نقض حاکمیت ایران از سوی دولت‌های خارجی و هر گونه تجاوز است. آن چه قدرت‌های خارجی، به ویژه آمریکا و انگلیس، می‌خواهند بر ایران تحمیل کنند، تأمین‌کننده اهداف و نظرات ملت ایران نخواهد بود. ۴ - برای مقابله با تهدیدهای جدی خارجی و برون‌رفت از انسدادهای کنونی و به منظور کاهش تشنجات سیاسی و فراهم آمدن زمینه وحدت نیروها و امکانات در درون کشور و بلاموضوع شدن برنامه‌های دخالت خارجی به نظر لازم می‌رسد که تصمیم‌گیرندگان اصلی ضرورت و الزامات همبستگی وحدت ملی را بپذیرند و در راستای تحقق آن: موانع موجود بر سر راه اعمال خواسته‌ها و مطالبات ملت را از طریق مجلس و دولت منتخب مردم برطرف کنند...؛ با تغییر و اصلاح قانون انتخابات، به نظارت استصوابی پایان دهند و راه را برای تحقق حق حاکمیت ملت هموار سازند...؛ کلیه اقدامات فرا قانونی نهادهای رسمی و غیررسمی را متوقف سازند...

از جمله امضاکنندگان این بیانیه هاشم آغاچری، عبدالعلی بازرگان، عمادالدین باقی، حمیدرضا جلالی‌پور، تقی رحمانی، احمد زیدآبادی، عزت‌الله سبحانی، ماشاءالله شمس‌الواعظین، لطیف صفری، احمد صدر حاج سیدجوادی، جمیله کدیور، سیدحسین موسوی تبریزی، ابراهیم یزدی و... هستند.

از سوی دیگر تحولات منطقه کل رژیم جمهوری اسلامی را به وحشت انداخته است. سایت «رویداد»، به نقل از محمد

خاتمی رییس جمهور، در جلسه غیرعلنی و مشترک هیات دولت با نمایندگان مجلس نوشت: «در صورت تداوم اقدامات نظامی آمریکا در منطقه، ایستگاه بعدی تهاجمات ایران خواهد بود». خاتمی گفت: «بعضی‌ها تحلیل می‌کنند که بعد از عراق، نوبت سوریه است. در حالی که من می‌گویم ایران در نوبت بعدی است و لذا نباید هیچ‌گونه بهانه‌ای به آمریکا بدهیم».

این سایت به نقل از محسن میردامادی، رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس در این جلسه نوشت: «آن زمان که امام می‌گفت آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند وقتی بود که ۹۸ درصد آرای مردم را داشت، لذا برای مقابله با آمریکا تنها راه، پر کردن صندوق‌های رای است». انگار میردامادی خبر ندارد که اخیراً در انتخابات شهر و روستاهای اسلامی، بیش از ۲۹ میلیون نفر از واجدین شرایط در این انتخابات مضحک شرکت نکردند. بعد از این انتخابات هر دو جناح به این فکر افتاده‌اند که چگونه و با چه ترفندی بار دیگر مردم را به پای صندوق‌های رای بشکنند!!

از سوی دیگر رژیم جمهوری اسلامی، از بی‌ثباتی عراق، سوءاستفاده می‌کند و عوامل و نیروی خود را روانه عراق ساخته و پایگاه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران را با خمپاره و موشک مورد حمله قرار می‌دهد. در این حمله غیرانسانی و وحشیانه ده‌ها نفر از نیروی مجاهدین جان خود را از دست می‌دهند و یا زخمی می‌گردند. همچنین عده‌ای از افراد این سازمان هم اکنون مفقودآثر شده‌اند. این عمل جنایت‌کارانه و تروریستی رژیم جمهوری اسلامی را باید شدیداً محکوم کرد.

خلاصه کلام در این وضعیت هر دو جناح رژیم، در عین حالی که به وحشت افتاده‌اند، اما هر کدام تلاش می‌کنند راه حل خود را ارائه دهد. هر دو طرف به نوعی خواهان مذاکره با آمریکا هستند. آمریکا هم بدش نمی‌آید با رژیم، دست‌کم برای یک دوره کوتاه کنار بیاید و کل رژیم و یا جناحی از آن را با سیاست‌های خود در منطقه همراه سازد. در چنین صورتی سر سلطنت‌طلب‌ها بی‌گناه خواهد ماند. اما اگر چنین توافقی حاصل نشود آمریکا، تهدیدهای خود را بر علیه جمهوری اسلامی تشدید خواهد کرد.

در این میان طبیعی است که مردم محروم و ستم‌دیده، آزادی‌خواهان، کارگران و نیروهای چپ و کمونیست به فکر سازمان‌دهی و همبستگی طبقاتی و سراسری کردن مبارزه خود در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی جامعه آزاد و برابر و انسانی خود باشند. تنها از این طریق است که می‌توان جلو تجاوز آمریکا و متحدانش به ایران را گرفت. تا روزی که جمهوری اسلامی، در حاکمیت است بی‌شک جامعه ما، از نگرانی جنگ، سرکوب، کشتار، ترور و اعدام و فقر و فلاکت آسوده نخواهد بود. بنابراین نباید موقعیت‌ها و فرصت‌های تاریخی را از دست داد و مرعوب سیاست‌هایی نظیر «حفظ منافع ملی» و تقویت «جناحی از رژیم»، به بهانه «تجاوز خارجی» شد. رژیم جمهوری اسلامی، یکی از جانی‌ترین رژیم‌های جهان است که باید توسط توده‌های محروم و ستم‌دیده سرنگون شود، نه با دخالت آمریکا. زیرا هر گونه دخالت آمریکا، در سرنوشت سیاسی ایران، سرکوب شدید جنبش کارگری و جنبش آزادی‌خواهی را به دنبال خواهد داشت و یکی از اولویت‌های آمریکا و دار و دسته‌هایی که به عنوان «آپوزسیون» درست می‌کنند، اختناق دیگری را از نوع ستم‌شاهی به وجود خواهد آورد. پس اگر ما کارگران، آزادی‌خواهان و

کمونیسته‌ها، تمام امکانات و توانایی‌ها و ظرفیت‌های خودمان را در مبارزه به کار گیریم هیچ نیرویی توان مقابله با جنبش طبقاتی ما نخواهد بود.

ما باید به نیروی خود و همبستگی بین‌المللی‌مان باور کنیم و خودمان را برای تحولات سرنوشت‌ساز تاریخی و برای ساختن تاریخ نوین ایران آماده کنیم و به قول حافظ:

بیا تا گل برفشانیم و می در ساغر اندازیم

فلک را سخت بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

آری باید همه چیز را زمینی کنیم و به نیروی طبقاتی خود باور داشته باشیم و بدور از هر گونه تفاوت‌های ملی و جنسی به انسانیت و حرمت انسانی و آزادی‌های سیاسی، عدالت اجتماعی و برابری اقتصادی فکر کنیم و به معنای واقعی طرحی نو دراندازیم!

۱۲ آوریل ۲۰۰۳